



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۰/۲۵



حمید انوری

## نگاهی به فرمان رئیس جمهور

رئیس جمهور برای اجرای موافقتنامه صلح با حزب اسلامی حکمتیار فرمان صادر کرد کابل (پژواک، ۲۹ میزان ۹۵): چهار هفته پس از امضای موافقتنامه صلح دولت با حزب اسلامی حکمتیار، رئیس جمهور در فرمانی هدایت داد تا مواد آن عملی شود.

دقت و توجه به هر یک از مواد این گویا موافقتنامه میرساند که رئیس جمهور نه تنها حق و حقوق خدا را بر یک جنایتکار جنگی بخشیده است، بلکه حق و حقوق اساسی مردم افغانستان را نیز سخاوتمندانه از کیسهٔ عمو سام بخشیده است و در بدل آنچه گویا به دست آورده است "صلح" خیالی و "آتش بس" خیالی است و بس. اگر چنین نیست، پس این ارشادات مقامات مسؤل وزارت دفاع حکومت "وحدت ملی"، چه معنی میتواند داشته باشد: "نهاد های امنیتی که اجرا کننده دستور رئیس جمهور اند، هیچ سرخ و اطلاعی ندارند که نشان بدهد حزب اسلامی گلبدین حکمتیار جبهه جنگی واقعی در داخل افغانستان داشته باشد.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله میگوید، "ما مکلف در تطبیق فرمان رئیس جمهور استیم اما دقیقاً معلومات نداریم که حزب اسلامی در کجا قرارگاه دارد یا چه گونه فعالیت می کند."

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری در خبرنامه یی که به دسترس آژانس خبری پژواک قرار گرفته، گفته است که رئیس جمهور در این فرمان ۲۴ ماده یی هدایت داده است تا به منظور اجرای همه جانبه، کامل و به موقع موافقتنامه صلح با حزب اسلامی اقدام های زیر صورت گیرد.

هریک از مواد ۲۴ گانهٔ این فرمان را باهم از نظر میگذرانیم:

ماده اول: دفتر شورای امنیت ملی مکلف است تا با رعایت ماده (۵) موافقتنامه در مورد رفع تحریم های مندرج آن سند در همکاری با نهاد های ذیربط اقدام نماید.

یعنی اینکه تمام پول ها و سرمایه های هنگفت را که گلبدین و حزب منحلۀ وی از مجاهدین و مهاجرین دزدیده اند، "محترمانه" برای شان تحفه گویا تقدیم گردد.

ماده دوم: حزب اسلامی افغانستان مطابق به احکام قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات نافذ کشور از تمامی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده و با رعایت قانون احزاب و سایر قوانین کشور به فعالیت سیاسی مبادرت می ورزد.

شهر بی بازخواست همین است، شاخ و دم ندارد. شهر و کشوری را به خاک و خون بکش، پشته هائی از کشته ها بساز، ملتی را به ماتم بنشان، هست و بود مردم را به غارت ببر، به نوامیس مردم دست درازی کن و...،

بعد با اعزاز تمام تشریف فرما شو، بالا سر جلوس کن، تحفه ها را قبول بفرما و آغاز کن به کار و بار  
گویا "سیاسی"!!

عجب دور و زمانه است!!!

ماده سوم: به منظور اقامت مناسب و تامین امنیت رهبری حزب اسلامی افغانستان اداره امور ریاست جمهوری مکلف است تا تدابیر لازم و همه جانبه را اتخاذ نماید.

منظور از "اقامت مناسب" در این فرمان رئیس جمهور این است که قصر یا قصر هائی را در اختیار آنان بگذارید و اگر به کمبود قصر مواجه هستید و قصر نیشان دیگر منتظر اند، پس عجله کنید در ساختن چند قصر در مرکز و ولایات که "امیر صاحب" منتظر اند.

ماده چهارم: لوی څارنوالی موظف است تا در ظرف مدت دو ماه تمامی مفاد ماده (۱۱) موافقتنامه را عملی نماید.

ماده یازدهم مورد تأکید رئیس جمهور چنین مشعر است:

" ماده یازدهم: دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصونیت قضایی رهبر و اعضای حزب اسلامی را در رابطه با اقدامات سیاسی و نظامی گذشته با امضا و در مطابقت با این موافقتنامه تضمین می نماید. همچنین دولت اسلامی افغانستان متعهد می گردد که زندانیان و اسرای حزب اسلامی افغانستان را که شامل لیست توافق شده بوده و مرتکب جرایم جنایی نشده باشند و دعوای حق الناس علیه آنها وجود نداشته باشد، از طریق کمیسیون علنی که بدین منظور تشکیل می گردد در اسرع وقت که بیشتر از سه ماه نباشد رها سازد. حزب اسلامی افغانستان متعهد می گردد تا افراد رها شده حزب اسلامی، به میدان جنگ علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان نرفته و به هیچ گروه مسلح غیرقانونی و تروریستی نپیوندند. نظارت بر روند حل و فصل هر نوع اختلاف در این رابطه به کمیسیون مشترک اجرایی با حسن نیت سپرده می شود."

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. این بدان معنی تواند بود که در بدل هر قطره خون هموطنان ما که به دست ناپاک و خونین گلبدینی ها ریخته شده است و در بدل هر خانه که ویران کرده اند و....، یک یک شاخه گل سرخ به قدوم نحس شان نثار گردد!!!

ماده پنجم: مراجع ذیربط دولت افغانستان با رعایت ماده (۱۱) موافقتنامه مصونیت رهبر و اعضای حزب اسلامی را نسبت به اقدامات قبلی سیاسی و نظامی شان تامین نماید.

منظور از " اقدامات قبلی سیاسی و نظامی شان"، همانا کشتار بی امان هموطنان ما در چهل سال گذشته توسط گلبدین و باند تروریستی او است. کشتاریکه تنها و تنها در کابل بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) از هموطنان بیگناه و بی دفاع را از نعمت زندگی محروم ساخت، دها هزار را معیوب و دها هزار دیگر را آواره و سرگردان ساخت و کابل زیبا را به یک ویرانه غم انگیز مبدل ساخت و جوی هایی از خون هموطنان ما جاری ساخت و...، اما نظر به سیاست روز رئیس صاحب جمهور مجبور و مکلفند تا در لفافه صحبت کنند و در لفافه فرمان صادر کنند، اما مردم افغانستان فراموشکار نیستند و تاریخ هم قضاوت خود را دارد و "آش مرد ها هم دیر پخته می شود".

ماده ششم: اعضای حزب اسلامی افغانستان می توانند مانند سایر شهروندان کشور در هر جای از کشور که خواسته باشند در مطابقت با قانون آزادانه زندگی نموده و به فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش بپردازند.

از چند و چون و اما و مگر های فراوان این ماده که بگذریم، خدمت رئیس جمهور عرض شود اینکه در اوضاع و احوال کنونی، نه تنها که افراد عام کشور از چنین امنیتی برخوردار نیستند، بلکه در حد توان خویشان با چنین افراد شرور و قصی القلب؛ خود عدالت را به اجرا خواهند گذاشت.

ماده هفتم: ادارات ذیربط مکلف اند تا با رعایت موارد کادری و ذاتی مندرج مواد (۱۴ و ۱۵) موافقتنامه، کادر های نظامی و ملکی وابسته به حزب اسلامی افغانستان را در مطابقت به صراحت احکام قوانین مربوطه تنظیم نمایند.

یعنی اینکه طبق معمول افراد این حزب منحلۀ تروریستی را نیز جنرال و مارشال و و سفیر و وزیر و ولی و چند چیز دیگر سازید و پسران شانرا نیز در دفاتر سرنوشت ساز و پول ساز جابجا کنید تا از دیگر رقبای خود عقب نمانده باشند.

ماده هشتم: ادارات ذیربط دولتی مکلف اند تا در مطابقت با ماده چهاردهم موافقتنامه در همکاری با شورای عالی صلح روند ادغام مجدد افراد مسلح حزب اسلامی افغانستان را مطابق به طرز العمل کمیسیون مشترک اجرایی انجام دهند.

منظور از "ادغام" در این ماده این است که همه تروریستان خونریز و جنایتکاران جنگی این حزب تروریستی را در اردو و پولیس و امنیت ملی جذب کنید و این خود توهین بزرگ به تمام نیروهای امنیتی است که تعداد کثیری از آنان توسط همین افراد کشته و مجروح گردیده اند.

ماده نهم: با رعایت حکم ماده (۳۹) قانون اساسی افغانستان، وزارت های امور مهاجرین و عودت کنندگان، مالیه، انکشاف شهری، انکشاف دهات، معارف، صحت عامه، اداره مستقل ارگانهای محلی و سایر ادارات ذیربط برای بازگشت با عزت مهاجرین حزب اسلامی و تهیه اسکان مجدد شان اقدامات عملی مرعی دارند.

رئیس جمهور مگر نمی داند که مهاجرین بخت برگشته افغان که در ایران و پاکستان سرگردان و نالان اند و شب و روز مورد توهین و تحقیر قرار دارند، به هیچ حزب و گروهی تعلق ندارند و گلبدین همانگونه که در زمان جنگ افغان - روس از موجودیت مهاجرین افغان بصورت بی نهایت گسترده استفاده ابزاری نمود و بلیون ها دالر و پوند کمی آنان را دزدید و در بانک های خارج ذخیره کرد، اکنون هم با همان ترفندها تلاش پول سازی دارد و رئیس جمهور هم برای او زمینه را مساعد می سازد.

ماده دهم: وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین موظف است تا در مورد بازماندگان شهداء حزب اسلامی و همچنان معلولین آن حزب مانند سایر شهدا و معلولین کشور رسیدگی نماید.

به شهدا و باز ماندگان شهدا و معلولین ملت با شرف افغان عجب رسیدگی شد که به کشتگان، بازماندگان کشتگان و معلولین قاتلین ملت رسیدگی شود. هر مفت همین را گویند.

ماده یازدهم: حزب اسلامی افغانستان مکلف است تا با رعایت و صراحت ماده (۱۸) موافقتنامه موارد ذیل را عملی نماید:

۱) تمامی تشکیلات و تحرکات نظامی و شبه نظامی خویش را مطابق پلان و جدول زمانی کمیسیون مشترک اجرایی متوقف و منحل سازد.

و اما "مسوولان وزارت دفاع و داخله کشور می گویند که هیچ اطلاعی از وجود پایگاه های نظامی و یاهم فعالیت های مسلحانه حزب اسلامی در داخل افغانستان ندارند و مراکز نظامی این حزب در دست کم یک سال پسین غیرفعال بوده اند." پس چگونه آنچه هرگز وجود خارجی ندارد، منحل و متوقف گردد؟ رئیس جمهور از قرار معلوم هرگز با مقامات امنیتی و نظامی در این مورد مذاکره نکرده است.

۲) تمامی اسرای را که در قید اسارت آن حزب قرار دارند به اسرع وقت رها و به مراجع ذیربط دولتی تسلیم بدارند.

سوال در این است که آیا دولت لست افراد اسیر، مفقود و شهید منسوبین نظامی و ملکی خود را در اختیار دارد یا خیر؟ اگر ندارد، پس رئیس جمهور یقین داشته باشد که گلبدین مزور از این قضیه هم استفاده ابزاری و ناجایز می نماید و به ریش حکومت می خندد.

۳) قطع دایمی جنگ، تطبیق آتش بس همیشگی و توقف هر نوع فعالیت نظامی علیه دولت ج.ا.افغانستان را تامین نماید.

و اما و مگر مقامات وزارت دفاع در مورد میگویند: "به گفته وزارت دفاع افغانستان، پایگاه های نظامی حزب اسلامی اگر بوده هم از دیر زمانی غیرفعال اند.

اگر حزب اسلامی فعالیت نظامی نداشته پس اعلام آتش بس رئیس جمهور برای چه؟"

ماده دوازدهم: حزب اسلامی افغانستان مکلف است تا قانون اساسی افغانستان را رعایت و تطبیق نماید.

آیا مگر تنظیم های دیگر چنین کردند که این یکی بکنند؟! این قانون فقط در یخ نوشته شده و در آفتاب گذاشته، مگر چنین نیست جناب رئیس جمهور!؟

ماده سیزدهم: حزب اسلامی مکلف است که هیچگونه رابطه ای را با گروه های تروریستی و سازمانهای مسلح غیر قانونی برقرار ننماید.

حزب اسلامی گلبدین خود یک حزب تروریستی است، چگونه با یک مشت عضو تروریست خود قطع رابطه کند، این کار در حقیقت حکم مرگ خود را به دست خود امضاء کردن است.

ماده چهاردهم: حزب اسلامی افغانستان مکلف است تا به منظور تامین صلح سراسری در افغانستان و با درک مسؤلیت های دینی، تاریخی، و ملی خویش در راستای صلح و ثبات دایمی در کشور با گروه های مخالف مسلح دولت با رعایت ماده (۲۱) توافقنامه مساعی را به خرج دهد.

رئیس جمهور در حقیقت خود را فریب میدهد و در خانه هندو قرآن می جوید!

ماده پانزدهم: کمیسیون اجرایی مشترک موظف است مفاد این فرمان را طبق موافقتنامه صلح اجرا نماید. تمام ادارات ذیربط دولتی مکلف اند تا در تحقق فیصله ها و تصامیم این کمیسیون در مطابقت با قانون همکاری نمایند.

ماده شانزدهم: به اساس صراحت ماده (۲۳) موافقتنامه، به منظور تطبیق موافقتنامه میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حزب اسلامی افغانستان، کمیسیون مشترک اجرایی به ترکیب ذیل ایجاد گردد:

میگویند گلبدین شدیداً با ذکر اصطلاح "حکومت وحدت ملی" در متن موافقت نامه مخالفت نموده و آن را به رسمیت نشناخته است و امضاء این سند تنگین را منوط و مشروط به حذف آن نموده است و از اینرو رئیس جمهور چار ناچار از تذکر آن خودداری نموده و بجای آن از "دولت جمهوری اسلامی" کار گرفته است.

۱. محترم داکتر محمد اکرم خیلواک، رئیس هیئت دولت

۲. محترم فیض الله ذکی، عضو هیئت دولت

۳. محترم محمدمسعود اندرابی، عضو هیئت دولت

۴. محترم قاضی عبدالحکیم حکیم، رئیس هیئت حزب اسلامی افغانستان

۵. محترم انجنیر محمد امین کریم، عضو هیئت حزب اسلامی افغانستان

۶. محترم داکتر غیرت بهیر، عضو هیئت حزب اسلامی افغانستان

در مورد ترکیب این هیئت، هموطنان خود قضاوت فرمایند!

ماده هفدهم: به منظور هماهنگی میان کمیسیون مشترک اجرایی و شورای عالی صلح ذوات آتی به نماینده گی از شورای عالی صلح برای حمایت و همکاری همه جانبه با کمیسیون مذکور معرفی گردند:

۱. محترم حاجی عزیزالله دین محمد

۲. محترم مولوی عطاءالرحمن سلیم

۳. محترمه داکتر حبیبه سرابی

۴. محترم مولوی عبدالخبیر اوچقون

۵. محترم فرهاد الله فرهاد، عضو تخنیکی برای حمایت دارالانشاء

ماده هفدهم میرساند که هیئت نمایندگی شورای عالی صلح را نیز رئیس جمهور انتخاب نموده و خواهان معرفی آنان به کمیسیون مورد نظر است. باز هم هموطنان خود در مورد این پنج تن قضاوت فرمایند.

ماده هجدهم: کمیسیون مشترک اجرایی موظف است تا پلان و برنامه مشخص را برای تحقق مواد این موافقتنامه در اسرع وقت تدوین و بعد از منظوری مقام ریاست جمهوری در تطبیق آن اقدام نماید.

ماده نوزدهم: کمیسیون مشترک اجرایی موظف است تا چگونگی امور مربوط به تشریفات و امنیت امیر حزب اسلامی افغانستان را توسط طرز العمل جداگانه تنظیم نماید.

رئیس جمهور در حقیقت "کمیسیون مشترک اجرائی" را فقط بدین منظور ایجاد کرده است تا از قصاب کابل، راکت یار با تشریفات مد نظر خودشان پذیرائی کنند و امنیت او و تروریستان دور و بر او را تأمین نمایند. از نظر رئیس جمهور شصت و پنج هزار شهید و کشته دست این جنایتکاران تاریخ و ده ها هزار معیوب و معلول و آواره و تخریب کامل کابل زیبا، صدقه سر گلبدین و دیگر تروریستان خونریز او. به این میگویند از کیسه خلیفه بخشیدن.

ماده بیستم: کمیسیون مشترک اجرایی موظف است تا چگونگی تطبیق ماده سیزدهم را طی طرز العمل جداگانه تنظیم نماید.

ماده بیست و یکم: کمیسیون مشترک اجرایی موظف است تا از تحقق و اعمال مفاد مواد موافقتنامه نظارت همه جانبه به عمل آورده و در هماهنگی با شورای عالی صلح فعالیت نماید.

ماده بیست و دوهم: کمیسیون موظف است تا وقتاً فوقتاً از تحقق مفاد این موافقتنامه به مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان گزارش دهد.

ماده بیست و سوم: شورای عالی صلح مؤلف است تا از اجرای تطبیق مفاد این فرمان در مطابقت با موافقتنامه صلح حمایت نموده و با کمیسیون مشترک اجرایی همکاری همه جانبه نماید.

ماده بیست و چهارم: دارالانشاء شورای عالی صلح، امور دارالانشاء این کمیسیون را عهده دار می باشد این موافقت نامه با قصاب کابل در حقیقت ننگین ترین و خفت بارترین سندی است که رئیس جمهور در پای آن امضاء میگذارد که ثبت تاریخ کشور گردیده و آیندگان به چنین رئیس جمهور نفرین خواهند فرستاد.

